

تظور مساجد روستائی

۲

در اصفهان

E. e

مساجد ایرانی که از شبستان هائی تشکیل یافته است

شبستان سرپوشیده

در آغاز این بررسی قبلا "ذکری از قدمت تالارهای سرپوشیده چند جنبه‌ای بعبان آمد که پوشش آنها بیاری نقاط انکاء متعددی از چوب ، سنگ یا آجر حاصل گشته و این پوشش بصورت سطح مسطح بر روی ترکهای چوبی یا طاقهای آهنگ بهم چسبیده یا با گنبدهای کوچکی احداث شده است (شکل ۲)

این ساختمانها که همیشه جنبه عملی آنها در ایران با ارزش بوده است بزودی بوسیله معتقدین به آئین جدید مورد اقتباس قرار گرفت . این بناهای نسبتا کم ارتفاع که اغلب سیمی از آنها در داخل زمین قرار دارد پناهگاه بسیار خوبی برای نماز هنگامیکه برگزاری آن در هوای آزاد عملی نبود بشمار میرود . این فضاها سرپوشیده که در قرن هفتم میلادی در معماری ایرانی بسیار متداول بود بعنوان عنصری در ترکیب نهائی مساجد متعددی داخل گردید مثلا "در قهپی ، اخند و در نقاط دورتری مانند اشکوند آنرا خواهیم دید (شکل ۲۵) اما این عنصر معماری در نواحی ایران که دارای آب و هوای نامساعدی است (در اهر

نوشته: ماکسیم سیرو

ترجمه : کرامت اله افسر

و سراب وغیره واقع در آذربایجان) نیز بصورت اینیه‌ای کاملاً مستقل در آمد .

ناپورآباد قصه کوچک حصار داری است که در جنوب آن (در قرن هشتم هجری) یک پست نظامی بنا گردید . در آنجا مقبره‌ای را پیدا کردیم .

در شمال قصبه در خارج از حصار آن نزدیک مطهر یک قنات بنای ساده بدون تزئین اما مزاده شاه فیروز برپا شده است . در بعضی جاهای دیوار حصار فصد که بسیار ضخیم بوده و اصالت آن حفظ شده است (دیوارهای حصار در چند دوره تعمیر شده است) مصالح قدیمی آن که احتمالاً مربوط به پیش از اسلام است دیده میشود (۱)

(۱) در زاویه داخلی جنوب شرقی حصار بقایای یک قصر سلجوقی در جزو مساکن بحای مانده . این بقایا

در مصالح ساختمانی اولیه حصار نقش بسته است .

مسجد جمعه ده در وسط آبادی دهکده قرار دارد بنائی است کوتاه و جسم که یک محوطه چهار ضلعی را تقریباً "بابعاد ۱۳/۸۰×۱۸/۷۰ اشغال کرده است. فضای داخلی که جرزهای درشتی (۱/۳۰×۱/۳۰) آنرا پر کرده از سه چشمه ترکیب یافته و هر چشمه‌ای را چهار قبه روستائی پوشانده است .

دیوارها دارای طاقهای عمیقی است که عمق آنها در حدود ۱/۰۵ متر است و به ستونهای درشتی اتصال می‌یابد که این ستونها در راستای جرزهای مرکزی قرار گرفته است . همگی این بنا یک انباری را در نظر مجسم میسازد که موارد استعمال متعددی داشته تا اینکه محلی برای عبادت باشد .

عنصر بسیار جالب این بنا محراب آنست که بخاطر وضع عمومی ساختمان نتوانسته است در محور دیوار جنوبی واقع شود . بنابراین در مقابل درب شمالی در دومین طاقنمای جنوبی تعبیه شده است (شکل ۱۷) .

این محراب گچ‌بری که در دیوار عقب ساخته شده هرچند که بواسطه دوغ‌آبه‌های آهکی سست گردیده سالم بجای مانده است . محراب از یک کادر بزرگ تشکیل یافته که ابعاد آن ۱/۸۲×۱/۳۴ است و یک گچ‌بری معفر در آن کنده کاری شده است (۵/۲۷۱) در فضای داخلی محراب دو ستون جانبی قرار دارد که به دوسر ستون حامل دو گلدان توپر ختم میشود . برفراز این دو گلدان ربع طاق محراب بطرز نسبتاً " ساده‌ای صدف نه پره‌ای را تشکیل داده که لبه پره‌های آن بصورت سحاف برحسته درآمده است . در زیر این تزئین طوح برگ سمدری ضعیفی از خشونت دیوار کاسنه است . بررسی‌هایی که راجع به این محراب بعمل آمده تاریخ آنرا در اواسط قرن دوم هجری مطابق قرن نهم میلادی یا

در نلت دوم قرن سوم محتمل میسازد یعنی در شکوفاترین دوره خلافت عباسی (۲) . مسجدینای دوباره بکارگرفته‌ای است که بنای اصلی آنرا که مقدم بر مسجد است نمیتوان بطور قطع تعیین تاریخ کرد : استخوان بندی ساختمان بحدی باستانی است که میتوان آنرا بیشتر به عصر ساسانی نسبت داده تا باوایل اسلام .

مدخلهای اصلی شامل دو درب است . اول در اصلی در سمت شمال که توسط دالانی که به پس کوچه باز میشود حفاظت میگردد . درب دوم جانبی است و در سمت مغرب واقع شده و دالانی سرباز که جدیداً " ساخته شده در جلوی آن قرار دارد . در زیر این پناهگاه در طرف راست یک شاه نشین بر عمق است که دیوار عقب آن قدیمی است . در این شاه نشین چاهی قدیمی وجود دارد : از این دهانه از یک آب انبار که در همان جهت و پائین تر در جنبه غربی در داخل زمین تعبیه شده است آب کشیده میشود . می‌توان اندیشید که تمام این تاسیسات یعنی آب انبار و چاه و مدخل ثانوی هنگامی که بنا به مسجد تبدیل یافته ساخته شده است .

در زمان صفویه در دیوار ته نخسین کونوسازی (۳) جنوبی نزدیک مدخل دوم - درب سومی احداث شد که با مدرسه کوچکی ارتباط یافت . از این مدرسه که کلاً " در سال ۱۹۶۳ بازسازی شده چیزی دست نخورده بجز یک ایوان بزرگ که در دو طرف آن دو راهرو قرار دارد باقی نمانده است . این قسمت و باقی مانده چند قوس که به دیوار جنوبی مسجد تکیه دارد (در زیر یک دهلیز جدید) از نوع معماری دوره " صفویه بوده‌اند (قرون ۱۶ و ۱۷ میلادی) . بنابراین این بنا کاملاً " سسته در عین حال زحمت از روز اول از چهار طرف مجرا بوده است . بررسیهای دیوارها نشان

(۲) مراجعه شود به کتاب راه‌های اصفهان صفحه ۲۲۶ . اگر این تالار برای مسجد ساخته شده بود می‌بایستی تقارن داشته (شامل ۵ چشمه) و محراب در چشمه محوری قرار گرفته باشد .
(۳) ایوان طاق طاقی با چفته‌ای

نشان میدهد که هیچ یک از این دیوارها در هیچ عصری بطور وسیع بسمت خارج سوی یک جلوخان وسیعی باز نبوده است . در اینجا توضیحی قابل قبول آورده میشود : قصبه‌ها یا دهکده های محصور قدیمی هنوز بتعداد قابل ملاحظه وجود دارد و اغلب دیده میشود که چنین قصبه‌هایی بر روی قلعه باریکی مستقر گردیده و در اطراف آنها دیواری ضخیم کشیده شده است بنابراین در داخل حصار فقط فضای خیلی باقی می ماند بآلتیجه بسک قلعه های انباری مراکش . پس کوچه های تنگ و راهپله های عمیق ارتباطی طبقات مشرفه بر یکدیگر تنها راه حل عملی را تشکیل میدهد (۴) . برعکس بر روی زمینهای مسطح محوطه قصبه فقط بوسیله حصارهای دفاعی محدود میشود . فضای داخلی علاوه بر سرازخانه و مسکن روسای قوم و مردم واصطبلها و انبارهای وسیع شامل فضاهای بزرگی جهت حرکت و چهارپایان و باغستانها می باشد .

در حال حاضر ساکنین مسلمان شاپور آباد عاری از میدانگاه های مناسب برای ادای نماز در فضای آزاد نیستند ، اما چون وضع اقلیمی محلی دهکده بسیار سخت است : آفتاب سوزان ، بادهای سرد منجمد کننده و مخصوصا " فراوانی طوفانهای شن باعث شده که اهالی دریابند که این تالار بسته پناهگاه گزیده و خوسی را برای عبادات آنها فراهم میسازد . بنابراین دیگر آنرا رها ن ساختند . اگر دیواره سری به دهکده ، قهپی زنیم در می یابیم که در آنجا در هر محله مسجدی است که همگی از روی گزیده مسجد شاپور آباد طرح ریزی شده است . این مساجد عبارتند از شیستانهایی که بوسیله حرزهای ستون مانند زمختی که حامل قبه های روستایی است به دو چشمه تقسیم شده اند ، نسبت دادن تاریخ دقیقی به

این بناها دشوار است . معذک از میان آنها دو بنا را می توان بزمانهای اولیه نسبت داد و همین امر میرساند که این ابنیه سنتی چقدر فراوان بوده اند .

نزدیک روستای تیجن بفاصله کمی از گلپایگان ، در مسیر بزرگراه بغداد در دامنه ، تپه ای قبرستانی کهنه قرار دارد . در میان قبرها سکویی است که زیر بنای آن از سنگهای بزرگی که بطور خستی تراشیده شده تشکیل گردیده است بر روی این سکو منبر عجمی وجود دارد که از سنگ یک پارچه تراشیده شده است (شکل ۱۸) (لوحه 4 B) . نزدیک این مسرابندائی محرابی وجود دارد که از روی سبک تزئین آن تاریخ آن به قرن ۱۳ میلادی میرسد . خود مسجد از میان رفته است و مطابق کرانه و محیط سکو مسجد بصورت تالاری چهار گوش بوده است . بنای مسجد از گنبرس ساخته شده و دارای بامی مسطح بوده که بر روی تیرها و ستونهای چوبی قرار داشته است (بدون شک ۶x۸) . بطور کلی این مسجد بنایی کوچک و سبک کلاسیک بوده که در یک محیط روستایی که جوب آسان بدست می آید بنایی معمولی و متداول بوده است .

نزدیک روستایی که اکنون شهر اشکرید را تشکیل میدهد یک ساختمان کوتاه و حسیمی است که شیستان مسجد نوع " C " را تشکیل میدهد (بعداً مورد بررسی قرار خواهد گرفت) . این بنا شیستانی است منقسم به سه چشمه که هر یک از آنها با سه گنبد کوتاه پوشیده شده و محراب مسجد در دیوار عقب چشمه محوری واقع شده است . این بنای کوچک در آغاز مسجد مستقل این شهر را در حدود سه قرن (در حدود قرن چهارم هجری مطابق قرن دهم میلادی) پیش از بنای مسجد محللتر محاور آن

۴) قلعه های انباری مراکش نوشته Houte Etudes Marocaines D.J. Jacques Merie

یک روستای کاملاً " متابه به بنام خوار هنوز در کنار حاده مورچه حورت و نظیر ، نزدیک نظام آباد وجود

دارد .

تشکیل میداد .

در مرکز قصه اخند (که اکنون مساجد مشروحه جمعه و عادت در آنها واقع شده) مسجدی دیده میشود مشتمل بر شستان ستون دار قابل ملاحظه‌ای که فرصت توصیف آنرا بدست نیاورده‌ایم این شستان شامل چند چشمه موازی است که با تعدادی گنبد پوشیده شده و آنطوریکه بنظر میرسد قدمت بنای آن از قرن دهم هجری تجاوز نمیکند .

خلاصه باید گفت نمونه‌های اصلی این تالارهای ایرانی پیش از اسلام چه کوچک چه بزرگ خواه پوشیده با بامهای مسطح باطاق بهترین باز مانده‌هایی هستند که با وجود اینکه از آنها استفاده مذهبی بعمل آمده است هرگز نفوذ عرب مدیون نمی‌باشد .

مساجد ایرانی از دسته " ح "

زاینده رود از جمله رودخانه های واحه ای آسیای مرکزی است که دو ساحل آن با کشت زارها و بوستانها و بیستزارهای بیوسته بهم پوشیده است و در میان آنها روستاهای متعددی بزندگی خود ادامه میدهند و این منطقه شامل ویرانه‌های تاریخی بسیاری است . خرمی و زیبایی این ناحیه روستائی که مورد ستایش حمدالله مستوفی در قرن هفتم هجری (قرن چهاردهم میلادی) قرار گرفته بیش از امروز توسعه داشته است . آبادی قابل ملاحظه ولی زودگذر این ناحیه باعث تشکیل چند مرکز جمعیت بند (۵) که اقامتگاه نجیب زادگان روستائی بوده که بانی موقوفه‌های متعددی بوده اند . در میان این مراکز اشکرد و سرشت یاد دارند در ۱۸ کیلومتری اصفهان که اکنون در حال انحطاط بسر می‌برند ویرانه‌های بسیاری بجای گذاشته‌اند . اشکرد که گرنه آبادیهای آن بر روی صحنه بر روی دو محور

اصلی کاملاً " مشخص است شامل حمامها و کاروانسراها ، بازارها و مساکن آبروند و لافل ده دوازده مسجد است . در میان این بناهای اخیر چهار مسجد وجود دارد که با وجود زبان حیران ناپذیری که موریا نه متوجه آنها ساخته باندازه کافی دست نخورده باقی مانده اند که بتوان طرح آنها را برداشت ؛ چون مدت‌های مدیدی این مساجد متروک مانده نام آنها از خاطرها زدوده شده است .

مساجد A و B نزدیک یکدیگر در کنار معبدی که سابقاً " سرپوشیده بوده قرار گرفته است و یک کوچه ، باریک و جای یک ساختمانی که حیاطی بزرگ داشته آن دو را از یکدیگر جدا می‌سازد . این دو بنای عالی با طرح ماهرانه که بدون شک هر دو کار یک استاد هست بسیار جالب توجه می‌باشد (شکلهای ۲۰ و ۲۱) . چنانچه محرابهای این دو مسجد مذهبی بودن این دو بنا را تصدیق نمی‌کرد با سانی آنرا با اقامتگاههای بزرگان اشتباه میکردند . نقشه این دو بنا با مساکن قدیمی ایرانی مناطق گرم مثلاً " مانند اقامتگاهی که در همان زمان (قرن هشتم) جزو مجموعه ریاط سلطان است مطابقت دارد .

تصور میرود این اماکن عبادت که کمتر برای تجمع عده‌ای کنیری بنا گردیده بیشتر برای آموزش بکار میرفته است چه عصری که بناهای مذکور ساخته میشده احتیاج مبرمی به علمای دین داشته است .

هر چند مساجد A و B (نوع C بعداً " مورد بررسی قرار میگیرد) متاخرتر از احداث نوع مساجد چهار ایوانی سلجوقی است (زواره در ۵۳۰ هجری) ولی در هیچ چیز مدیون آنها نیستند بلکه از روی حیاطشان با بناهای غیر مذهبی پیش از اسلام مانند بناهای نساو آسور و بیشاپور و تیسفون قابل مقایسه

(۵) منشاء و تاریخ این مرکز تجمع بسیار مبهم میباشد . انحطاط این منطقه بزرگ را چند علت مانند از هم گسیختگی قدرت مرکزی ، از میان رفتن بزرگان محلی هنگام جنگهای خاندان مظفری ، بالا رفتن میزان تمکین معذنی بر اثر بیماریهای بی حد و بالاخره هجوم متوالی آفتهای بزرگ موجب شده است .

می‌باشند .

در فاصله چند قرن که این بناهای باستانی را از ایینه اشکرتند جدا می‌سازد این نوع ساختمانهای غیر مذهبی به زندگی خود ادامه داده‌اند . بناهای مذکور با دارا بودن جنبه عملی برای تجمع عمده کمی از مومنان جهت احرای مراسم دین خود در تحت نظر یک معلم کاملاً مناسب بوده است .

مسجد B (شکل ۲۵) شامل دو بخش متمایز هم عصر میباشد . بنای عمده از یک حیاطچه مرکزی ($۷/۲۱ \times ۷/۲۱$ متر) ، ترکیب یافته که در هر طرف آن چهار ایوان مساوی بعرض ($۵/۱۱$ متر) قرار دارد ایوان جنوبی عمیق تر میباشد . این ایوان حاوی محراب است (لوحه ۵ B) و طاقش از طاقهای ایوانهای دیگر بلندتر است . در هر طرف این ایوان عمده تالاری مستطیل شکل ($۴/۵۳ \times ۳/۲۴$) قرار دارد .

چسبیده باین بنا تالاری وجود دارد که با سه قبه پوشیده شده و بعنوان شیستان زمستانی بکار میرود (نوع G و Z) راه ارتباط آن از طریق دهلیزی که با ایوان ورودی باز میشود تامین میگردد .

مسجد " A " (شکل ۲۱) با وسعت بیشتری بر همان اصول مسجد " B " احداث گردیده است . بنای اولیه مستطیل بر حیاطی (متر $۱۵/۵۴ \times ۱۲/۹۵$) است که با حوضی از آب جاری زیرت یافته . بنای داخلی با چهار ایوان محوری که در طرفین آنها رواقهای جانبی است مشخص گردیده است . ایوان اصلی که دارای عرضی معادل $۹/۲۲$ متر است (ساندازه ایوان ورودی) محراب رادر بر دارد (لوحه ۵) . اگر از این ایوان بالا برویم به یک دهلیز بر میخوریم که روی ایوانها و تالار دیگر قرار دارد . در دو طرف این ایوان محوری دو شیستان و دو دهلیز وجود دارد که دارای همان عرض ساختمان میباشد .

در سمت شمال غرب یعنی در آن سوی کوچه‌ای که سابقاً سرپوشیده بوده این مسجد درست بعد و یا شاید قبل از خانه کار ساختمان دستخوش دستکارهایی شده است . در آنجا دهلیزی که با یک نورگیر پوشیده بوده و یک حیاط کوچک وجود داشته (بعد ها این قسمت به حیاطی تبدیل گردیده) است .

این عناصر معماری از یک طرف بوسیله تالاری با یک حمام (که ستارگی و بران گشته) مرتبط شده و از طرف دیگر احتمالاً با یک رشته آبریز و آب اساری که بصورت گودالی باقی مانده راه می‌یافته است . بعداً یک ورودی دیگر که دارای ایوانی بود و یک تالار کوچک هشت گوش و یک شیستان زنانه درست شرق اضافه گردید .

مسجد " C " دره ۲۵ کیلومتری آبادی واقع است و راه شمالی و جنوبی عمده‌اش که از پل جوم می‌آید تشکیل یک مجموعه کوچک آثار قدیمی را میدهد . در حاشیه یک راه فرعی مسجدی شیستان مانند یافت میشود که قبلاً " ارائه شد . در پشت این بنا تپه‌ای باستانی است که چند متر بر آن مشرف میباشد . شکم این تپه را شکافته‌اند تا کمی پایین‌تر از آن حلوخانی بوجود آید و قلعه آبر برای احداث بنای جدیدی مسطح ساخته‌اند (لوحه ۶ A) . این بنا مسجد یا قبریندای بود که حیاط مختصری داشت ($۶/۲۵ \times ۵/۶۷$ متر) علاوه بر ایوان ورودی که در این حیاط باز میشد دو ایوان حاسی دیگر نیز وجود داشت . همچنین بسوی جنوب دهانای در یک طاق نما تعبیه گردیده بود که به مقصوره راه مییافت . این مقصوره تالار چهار گوش است که با گنبدی پوشیده شده و تاریخ آن به قرن چهاردهم میلادی میرسد (لوحه ۶ B) (۶) دو شیستان در طرفین این مقصوره و دو شیستان کوچکتر دیگر در اطراف ایوان ورودی وجود داشته است (شکل ۱۹ - ۲۱ و ۲۲) مدتی پس از احداث این مسجد که ضلع غربی آن بر اثر

(۶) رجوع شود به راه های اصفهان

باران صدمه دیده بود در زمان صفویه مورد تعمیر قرار گرفت .
تعمیر مذکور وضع مسجد را دستخوش تغییراتی ساخت بدین طریق
که ضلع غربی درازتر گردید و تالاری کوچکتر جانشین تالار طرف
راست مقصوره شد . ورودی جدیدی در نمای غربی ایجاد شد و
ورودی اولی را که در شمال مسجد قرار داشت مسدود ساخته و
در این ضلع یک تالار دو طبقه احداث کردند . این تالار دیوار
خلفی حسینیه‌ای را تشکیل میداد . برای استفاده از این حسینیه
تماشاگران پائین بر روی جلوخان قرار میگرفتند .

پیش از رها کردن این بناهای عجیب ملاحظه خواهیم کرد
که در همان عصر مقول مسجد سلجوقی بیسون (۷) که به خانواده
چهار طاقیها تعلق دارد . گنبد آن همراه یک مناره بر روی یک
بلندی کوچک بر پا شده است .

جلو این اثر جالب بقایای یک حیاط محروبه بیرونی مقولی
وجود دارد که با خشت خام ساخته شده است . دو نمای جانبی
آن از دو ایوان ترکیب یافته که دارای صفه بلندی (Tribune)
(۸) میباشد . در طرفین ایوانها طاقنماهای کوچک و راهروها و
پلکانهایی وجود دارد . این اثر معماری انسان را بیاد یک بنای
نمایشی در کنار یک مسکن اعیانی می‌اندازد .

مساجد خانواده " عرب "

بناهایی که تاکنون بدگر آنها پرداختیم همگی از خانواده
ایرانی هستند که در آغاز بسیار ساده بوده و سرانجام با الحاق
عناصر دیگر ایرانی و چند عامل خارجی پیچیده تر گردیده‌اند .
بناهایی که اکنون بتوصیف آنها می‌پردازیم با الهام از

بناهای مهمی که با مصالح محلی در ایران در عهد خلفای عباسی
ساخته شده بود احداث گردیده است . بنابراین آنها از شیوه
معماری اسلامی که از این پس در سرزمینهای خارج از ایران اتخاذ
گردیده نشأت یافته است . لزومی ندارد که بخاطر آوریم که
اصفهان دارای یکی از این مساجد بزرگ بوده و یزد نیز بقایای
یکی از این نوع مساجد را حفظ کرده است (شکل ۴) (لوحه ۸
A, B) .

در حاشیه جنوبی کویر مرکزی ایران در فاصله بین یزد و
کاشان که پیش از حمله مغول بسیار پرجمعیت بوده نمونه‌هایی
از این نوع مسجد وجود داشته است . لذا بسیار طبیعی است که
نمونه‌های کوچکتر آنها در روستاها بیابیم که بواسطه استحکام
بنا خوب حفظ شده باشند .

مسجد جمعه سرشت یا دران که سابقاً " قریه مهمی بوده با
صداقت کامل طرح ریزی شده است (شکل ۲۳ و ۲۴) . این مسجد
اساساً از یک حیاط شمالی جنوبی (۱۱/۶۵ × ۱۳/۵۱) ترکیب
یافته که اطراف آن چهار رواق قرار داشته و اکنون از آنها سه
رواق باقی مانده است . رواق چهارمی که در سمت شمال قرار
داشته در عصر صفوی تجدید بنا گردیده در حقیقت با عمق
کمتری شبیه رواق غربی بوده است .

هریک از نماهای حیاط ، سه طاقما دارد و مشاهده میشود
که در محور ضلع جنوبی طاقنمای عربی تری (۴/۵۲) است که
در واقع ایوان بزرگ و اصلی مسجد را تشکیل میدهد . از این
ایوان بزرگ محراب که بر روی ضلع جنوبی شیستان تعبیه گردیده

(۷) مقایسه شود با کتاب " Art de l'Iran " صفحه ۲۴۳ شکل ۲۱۴ " برسیان "

نوشته Smith در Ars Islamica جلد ۴ صفحات ۱ - ۷ اسم این محل با شکل برسیان
و برسیان ذکر شده ولی ما تلفظ محلی را اتخاذ کردیم .

(۸) واژه تریبون در لغت فرانسه هم بمعنای سکوی بلند و هم بمعنای منبر است در هر صورت محلی
است که از آنجا به ایراد وعظ و سخنرانی می‌پردازند .

مشاهده میشود. این محراب طاقچه، مستطیل شکلی است که عمق آن مسطح و شکلش قدیمی و جهت آن با جهت قبله مطابقت ندارد. در همین اواخر این اعوجاج محراب را با حفر گودالی در راستای صحیح قبله جهت قرار گرفتن امام نماز جماعت تصحیح کرده‌اند. زاویه جنوب شرقی بنا که محل تلاقی دو رواق بزرگ است دوبار مورد دستکاری قرار گرفته است.

در حقیقت بررسی و تحلیل دقیق قسمت‌های مختلف بنا نشان میدهد که ایوان تدفینی سلجوقی که از خارج (زاویه جنوب شرقی) نمایان است (لوحه ۹) نخستین تغییری نیست که در بنا بعمل آمده است؛ قبلاً دستکاری دیگری پس از ویرانی زاویه دو رواق شرقی و جنوبی انجام گرفته بوده است (۹).

از روی این قرینه‌ها می‌توان تاریخ بنای اصلی را تقریباً به فاصله بین اواخر قرن دوم و اواسط قرن سوم هجری (قرون ۹ و ۱۰ میلادی) نسبت داد. پس از مدت مدیدی که بنا در دوره سلجوقی بهمان وضع باقی مانده بود در زمان صفویه قسمت شمالی آن برداشته شد و با احداث یک ایوان بزرگی که اکنون فرو ریخته با دهلیزی و سردر زیبایی در اطراف آن مورخ سال ۹۷۶ هجری (در زمان سلطنت شاه طهماسب) و حمامی که در حال حاضر بصورت گودالی در آمده این معبد قدیمی را تجدید بنا کردند.

احتمال دارد که ورودی بنای اصلی در طرف شمال درحالی که ایوان بزرگ شاه طهماسبی قرار داشته و در بی که مسدود گردیده و اثر آن در داخل و خارج دهلیزی شرقی دیده میشود ورودی دومی بوده و با یک مدخلی مربوط بزمان دیگری بوده است. سبک معماری مسجد جمعه قمصر دهکده‌های کوهستان واقع

در جنوب شرقی کاشان که بخاطر گل سرخ و طراوت هوایش مشهور میباشد کاملاً روشن و واضح است (شکل ۲۵). طرح آشکار و روشن این بنا کاملاً با مسجد جمعه سرشت پاداران قابل مقایسه است لیکن خود بنا بیشتر جنبه روستایی دارد. بدون شک بیم از زلزله باعث ضخامت بیش از حد دیوارها گردیده است.

چهار نمای یک حیاط مرکزی (۱۱/۰۰ x ۱۱/۰۰ تقریباً) هر یک دارای سه طاقنماست (لوحه ۱۰ A) (چند سال پیش یکی از نماها فرو ریخته است). در سمت جنوب و شرق در پشت پهلپایه‌های زمخت یک رواق اولیه قرار دارد که در عقب آن رواق ثانوی بزرگتری واقع شده است.

از سوی غرب در یک دهلیز یا رواقی نظیر رواقهای دیگر ورودی بنا در یک هشتی مشرف به کوچه‌ای باز میشود نزدیک این ورودی پلکانی و دو سکو قرار دارد. در کنار کوچه جوی آبی جدول‌بندی شده میگردد.

محراب بصورت طاقچه ساده‌ای محصور در یک نوار برحسبه خفینی در محور رواق جنوبی مقابل طاقنمای محوری که عرب‌نژاد از رواقهای دیگر است دیده میشود (۲/۷۴ بحای ۲/۳۰). بسیاری از طاقنمای اصلی بصورت آهنگهای خاکی شکل در بخش شمالی محفوظ بحای مانده است. در داخل ساختمان جنوبی نمایی گنبدهای خاکی شکل بسیار روستایی بصورت حلقه‌های بی‌دری سبک باستانی بر روی ترمیمه‌ها قرار گرفته است.

این شکل‌های معماری که قدمت آنها به بناهای نزدخواست و ماساپور آباد میرسد و جهت نادرست محراب و خودناحکایت از باستانی بودن اثر میکند با حرات بیشتری می‌توان تاریخ بنا

۹ رجوع شود به راه‌های اصفهان، دهکده‌ای که توسط یک فئات بر آب مشروب میگردد و برآدهای چندین مسکن غنی را در بر دارد یکی از این مساکن با نقاشیهای دیواری شیوایی نزعین یافته که تاریخ آنها به قرن پانزدهم میلادی میرسد.

راه نیمه دوم قرن دوم هجری منسوب داشت و افزود که احتمالاً این اثر تاریخی ممکن است در محل یک معبد قدیمی ساخته شده باشد .

و نداده روستای کوچکی است که در کنار یک راه قدیمی که اصفهان راه دلیجان مرتبط میسازد واقع شده است . ساکنین این دهکده که سابقاً " بیشتر بوده اند غالباً " به کار باغداری میپردازند . این محل که توسط معول اشغال گردید (مغولان شهرسازی این دهکده را بصورت شطرنجی تجدید بنا کردند) برای فزون متمادی نیمه زردشتی باقی ماند بهمین سبب درست در وسط آن معبد عجیبی مربوط با این آئین دیده میشود که در قرن شانزدهم میلادی (در عصری که زردشتیان مورد آزار قرار میگرفتند) بصورت امامزاده دوازده امام درآمد (۱۰) . بقاصه کمی از این بنا مسجد جمعه قدیم دیده میشود که وضع معماری آن هنوز با وجود تغییراتی که مناسبت تعبیر شکل معبد در آن ایجاد شده کاملاً " روشن و آشکار میباشد (۱۱)

در شکل بندی اساسی طرح این بنا دارای همان خصوصیات دو بنای ما قبل است (شکل ۲۶) .

در اطراف یک حیاط ۱۱/۵۰ × ۱۳/۸۰ هر جنبه شامل سه طاقندی است . نماهای شمالی و جنوبی به دو رواق راه دارد که در رواق جنوبی محراب مسجد در راستای محور کوچک حیاط در مقابل طاقندی مرکزی واقع شده است . جنبه شرقی در قرن شانزدهم بازسازی گردیده است .

دنیال تجدید بنای تمام این قسمت مسجد در محل یک رواق عرض رواقی که محراب را در بر دارد تا شستانی که یکی

بر فراز دیگری واقع شده ، یک سبک معماری بسیار عالی ساخته شده . جنبه غربی حیاط جزوهای اولیه خود را حفظ کرده ولی همه بخشی که رو بکوچه دارد ویران گردیده و بجای آن یک هشتی بزرگ مطابق سلیقه زمان خود برپا گردید . چون قسمتهای فوقانی این ورودی باشکوه ناپایدار بوده و فرو ریخته ، بجای آن سباباتی ساده و محقر ساخته شد .

از روی بقایای اولیه این بنا و برحسب آنچه دربارهٔ مساجد جمعه سرشت یاداران و قصر میدانیم (شکل ۲۷ یک تصویر ساده با قید احتیاط از حالت اولیه این اثر را ارائه میدهد) تعیین تاریخ قطعی احداث این بنا بسیار دشوار است . در این ناحیه مساجد کوچک از این نوع در ازمنه پیش از قرن پنجم هجری ظاهراً " زیاد بوده است . این مسجد که از روی فن ساختمانیش بنظر ما از دو بنای قبلی کمی تازه تر است امکان دارد در اواخر قرن سوم یا نیمه اول قرن چهارم هجری (قرون ۹ و ۱۰ میلادی) ساخته شده باشد .

آثار دیگر

اکنون به پایان این سیر باستانشناسی محدود به قرن چهاردهم میلادی رسیده ایم . پیش از نتیجه گیری از هم نظر خود را به مساجد دیگر این ناحیه که شاهد بعضی تحولات بوده اند موجه سازیم .

در حومه شمالی اصفهان روستای کوچک هفتشویه که ویرانه های خطرناک مسجدی مهم از آثار ایلخانی و مظفری را در بر دارد ، این اثر تاریخی در سابق عنصر اصلی مجموعه از میان رفته های

(۱۰) رجوع شود به " سه بنای ناشناخته ایران باستان " نوشته ام . سررود

جلد سوم ۱۹۶۷

(۱۱) در رواق دهلیز امامزاده که مربوط به دوره صفویه است عیناً همان اشکال از جزوها دیده میشود که

در تجدید بنای مسجد بکار رفته است .

(حمام ، مدرسد) را تشکیل میداده است (۱۲)

حاذیقه اصل بقایای این اثر تاریخی در وجود محرابی عالی است (تاریخ تقریبی ۷۴۰ هجری) که علی رغم حجم موریانه‌طور معمره آسایش محفوظ بحای مانده است (لوحه ۱۱) ، با این همه بزودی مشاهده میشود مجموعه این بنا که حای یک مسجد سلجوقی را اشغال کرده بقایای آن (فاعده یک ساره و چندین دیوار دورواق طاق طاقی) نشان میدهد که در این محل بسائی خیلی شبیه به مسجد حممه اخند قرار داشته است . این بنا شامل یک مقصوره چهارطاق مانند بوده که بر روی حیاطی محاط به رواقهای طاق طاقی ساز میشده که در قرن پنجم هجری (قرن یازدهم میلادی) مناره‌ای بدان افزوده اند .

بازسازی بنا که کاریکی از اشراف بزرگ بوده آنرا بصورت اثری با شکوه در آورد که با مصالح زشت احداث شده بابتد و گچ بریهای نفیس و نقاشی‌های مختلف سطوح گاه گلی ایوانهای باشکوهی را که حاوی منبری میباید زیور بخشیده است .

این مجموعه که بواسطه کوچهٔ جدید و مناره و ساختمانهای واقع در سمت شمال در تنگنا قرار گرفته ناچار به حیاط قدیم بسنده کرده است . بالنتیجه موقع ساختمان عدم تقارنی بوجود آورده که علت آن شبستانی است که از سوی شرق به مقصوره چسبیده است .

در آغاز ، این بنا که به مساجد حممه فیهی واخند قابل مقایسه بوده در احداث دومش مسجدی دوا ایوانی گردید آنهم در عصریکه مساجد چهار ایوانی از مدتها پیش یک کار متداولی بود . در منطقه زراعی کاج ، قریب‌ای که چندان از زاینده رود دور نیست هنوز کشت زارهای آن جا با به نشانه‌هایی از ویرانه‌های

قدیم مشخص میباشد و همین امر به کوشش کوچ نشینان عهد مملوک گواهی میدهد (شکل ۲۸) . از دور در یک منظرهٔ مسطح سیرح کشید بسائی که در حیوان ایوانی است چشم میخورد که میتوان آنرا با مسجدی کامل بسید سالی اردبیل اشتباه کرد (۱۳) (لوحه ۱۲ A) .

از آن زمان چیزی باقی نمانده ؛ هنگام عطیاتی که در سال ۱۹۶۳ برای سحاح کشید خاندان از حراسی حتمی (دو حجره ترقی با آخرین سطوح باربر تنظیم یافته بود) انجام گرفت چند عمل حداسازی انجام گرفت . این عملیات اجازه داد تا حدود بنا و بی‌حرزها و بقایای دیگر پیدا شود بوسی تمام عناصری که با چنین بقایای قوسها مطابقت داشت . این اکتشافات نشان داد که حیوان ایوان ساختمانهایی از مصالح گلی که بعضی از مولفان آنها را بسیار قدیمی بر آورده کردند وجود داشته که قسمتی از بسائی بوده که همه با هم ساخته شده بوده است یعنی در واقع مسجدی چهار ایوانی بوده که طبق نقشه‌ای هماهنگ طرح ریزی شده است (لوحه ۱۲ B) .

این بنا که تزئیناتش هیچگاه تمام نشد در عصر خود (تاریخ گنبد توسط ویلیام ۷۲۵ هجری و ۱۳۲۵ میلادی) یکی از سکه‌های معماری بسیار متداول بود ؛ پی‌های گنبدخانه ، ایوان و رواقهای جانبی با آجرهای خوب بخته (لوحه ۱۳ A و B) ساخته شده که با ملاتی مستحکم بهم پیوند خورده لیکن بخشهای فوقانی همین قسمتها (بجز گنبد) کمتر استحکام داشته (آجر بخته در سطوح خارجی و خشت خام در بغز بنا با ملات گچ و گل) اما راجع به بخشهای جانبی فقط به خشت خام قناعت ورزیده اند . مسجد کاج که در محل یک بنای سلجوقی ساخته شده و

(۱۲) رجوع شود به راه های اصفهان

(۱۳) رجوع شود به راه های اصفهان شکل ۸۱ و معماری اسلامی ایران دورهٔ ایلخانی - صفحه ۱۱۵

و مقاله Schroeder در بررسی هنر ایران

آجرهای مشخص آن دوباره در پی‌های مینایی نکار گرفته شده خانمه، یک تحول طولانی را می‌رساند. در اسحاق چهار طاقی را می‌بایست که یک ایوان بزرگ بر شاخه‌های آن قرار گرفته و رواقهای طاقی جانبی حیاط (که طاق مرکزی آن توسعه بیشتری دارد) همانطور که در ناحیه کوهپایه و تپه مشاهده شد در اینجا نیز دیده می‌شود بنابراین یک نفوذ خارجی، سوسنة الهام از معماری غیر مذهبی تعدیل یافته است و شکل ۲۸ این ترکیب بسیار ایرانی را که از دوران سلجوقی متداول بوده و عمومیت داشته بازسازی میکند. هر چند جزئیات مهم و نامسلم تزئینات بخش شمالی را حال خود وا می‌گذارد. در این محل تنها چیزی که مسلم است آبریزها یا متوضائی است که راه آبهائی از وجود آنها حکایت میکند.

در همان ناحیه روستائی مسجد گار است که بخاطر مناره مورخ ۵۱۵ هجری و یک محراب متعلق به قرن چهاردهم هجری (در سال ۱۹۶۳ مورد تعمیر قرار گرفته) شهرت دارد چیزی جز یک شیخ نیست که بدست روستائیان پاره پاره شده و تنها به دستبرد به مصالح قناعت ورزیده باشند بلکه پس از آنکه آبراه قلعه محصور می‌تبدیل کردند به استخراج مصالح مینایی آن پرداختند.

از روی آثار باقی مانده سه دوره متمایز در آن بنا می‌توان تمیز داد. اثر دوره سلجوقی مناره و یک شستان که قسمتی از آن در شرق گنبد خانه بحای مانده وجود دارد. این ویرانه اخیر (یعنی شستان) که به گنبد خانه قرن هشتم هجری (قرن ۱۴ میلادی) بدون هیچ اتصال جزیئی نیست می‌کند که در دوره سلجوقی یک چهارطاقی دیگر وجود داشته است. گنبدخانه از دوران مغول (قرن هشتم هجری) است از دوره مغول (قرن هشتم هجری) این قسمتها باقی مانده است. گنبدخانه یا مقصوره، چند بدنه دیوار جلو مقصوره و بقایای قوسهایی که

بازسازی یک ایوان را در میان دو نالار در سمت مشرق حیاط که متعلق به یک رواق از بین رفته می‌باشد، سرانجام و احتمالاً از آثار اواخر این دوران آشفته یک دیوار ضخیم محصور به برجهای کوچک در زوایا که تمام آثار را در بر میگرفته باقی مانده است. این بقایا برای اقدام به یک بازسازی قابل قبول بسیار اندک است معدالک همین بازمانده ها نشان میدهند که این بنای قرن هشتم هجری بتامه حائنین یک مسجد باستانی که کاملاً سه مساجد قهپی واحد بوده گردیده و عیناً آنرا تقلید کرده است. در دوره سلجوقی دو شستان در دو طرف چهارطاقی و یک مناره خارجی ساخته شد که هنگام تجدید بنا در عصر مغول آنها را شایسته حفاظت دانسته بحای گذاشته اند.

در دشتی که همچنان در ساحل زاینده رود قرار گرفته گنبدخانه مسجدی (۱۴) بحای مانده که نزدیک آن مناره‌ای برپا بوده که در سال ۱۹۱۵ ویران گردیده است. در اطراف نالار زیر گنبد (و بلیبر تاریخ آنرا ۱۳۲۵ میلادی ذکر کرده) آغاز قوسهایی آماده برای دریافت طاقهایی بدون هیچگونه اسهام نشان میدهد که قصد داشته‌اند مانند آنچه در کاج انجام گرفته شستانهای جانبی احداث کنند نظیر این برنامه انجام نیافته که میخواستند مسجدی بحای مسجد سلجوقی بسازند بقاصه کمی از این محل یعنی در اتران نیز دیده می‌شود.

در این محل گنبدی تحسین آمیز (مورخ نیمه دوم قرن ۱۴ میلادی) یافت می‌شود که در جلو آن ایوانی است و سابقاً در طرفین آن دو رواق وجود داشته که در سمت شرق چند اثر از آن دیده می‌شود.

از روی معماری رواقهایی که در اطراف حیاط (عرض این حیاط ۹/۱۵ متر است) قرار گرفته‌اند می‌توان استنتاج نمود که عرض هر یک از رواقها ۳ متر بوده است.

بطور تحقیق می‌توان گفت که ابنیه واقع در کاج و دشتی و ازیران در آخرین شکل معمولی خود ساختمانهای شبیه بهم بوده و همگی دارای این خصوصیات بوده‌اند: چهار طاقی محراب دارای ساختمانی مستحکم و شبستان‌ها دارای وضعی متوسط و رواقهای حیاط صاحب وضعی اسف انگیز بوده است. این ویژگیها میرساند که معمار همه یک فرد بوده که احتمالاً "بنائی دیگر را که دره ۳۰ متری ازیران واقع و کلا" ویران گشته نیز هم ساخته است

نتیجه

از چند اثر روستائی گوناگون و واقع در یک منطقه که ما به ارائه آنها پرداختیم نمی‌توان نتیجه گیری کلی بعمل آورد معذالک نکات زیر را مشهود میسازد:

در وهله اول این آثار آنچه را که آندره گدار^۱ پیش کشیده است مورد تأیید قرار میدهد بدین معنی که وجود تمام عناصر معماری ایرانی در اواخر قرن پنجم هجری (باز دهم میلادی) شامل عنصر دو محور بزرگ که با چهار ایوان مشخص گشته و مساجدی را بوجود آورده که از آن پس بصورت کلاسیک در آمده و نخستین نمونه شناخته شده فعلی آن مسجد زواره میباشد (۵۳۰ هجری).

همچنین بناهای مذکور نشان میدهند که از تمام دستورالعملهای اولیه فرمول چهار طاق بر همگی مرشح گردید اما سایر فرمولها هم بهمان اندازه رایج شده البته نباید فراموش کرد که زردشتیان تنها صاحب آئینی نبودند که بدین جدید درآمدند. در اواخر عهد ساسانی حوامع دیگری مانند یهودیان و مسیحیان بودند که کم و بیش مورد تعقیب واقع شده و تعدادی از آنها آئین خود را

تعبیر دادند و توانستند عبر از چهار طاق امکنه دیگری را جهت اجرای مراسم دینی خود برگزینند.

"مسجد سنگ" که سر اورل اشتاین نقشه مختصر آنرا در کتاب خود آورده نمونه از آنرا نشان میدهد (۱۵) (شکل ۲۹).

آثار امبرده بالاخره نشان میدهند نوع مسجد عربی که در مدتها پیش در قرن پنجم کنار گذاشته شده بود هرگز نفوذ زیادی بر روی مساجد روستائی نداشته‌اند. آیا می‌شود گفت که این عدم محبوبیت ارتباطی بیک نوع حس بیگانه‌گری داشته است؟ ما باین امر اعتقادی نداریم توده‌های مردم چنانچه چیزهای محلی برای آنها مناسب بود در قید نفوذ خارجی نبودند. دولت مربوط بهم بیشتر سبب این امر بود. مسجد عربی امتیازش از نظر عمل و مصالح مدیون حجمهای وسیع است که میشود با ستونهای کشیده متعدد سقفهای بلندی را برپا داشت. این وسائل بر روی فلات یافت نمیشد. از سوی دیگر مزاج فرد گرای ایرانی حجمهای کوچک محدود و خودمانی را که با رفتار سنتش وفق دارد ترجیح میدهد. فی الحقیقه در تحقیق مسجد عربی که در برد بعمل آمده یک حس ناخوشایند بجای گذاشته بدین معنی که حرزهای زمخت و طاقهای نتوانسته است نه شکوه مسجدهای عراقی و مدیترانه‌ای را بوجود آورد و نه خودمانی بودن و صمیمیت گنبدخانه‌های ایرانی را ایجاد کند.

در وهله سوم بنظر میرسد که تا قرن ششم هجری و پس از آن مساجد چهار طاق مانند مفردی را در انتهای حیاطی میساختند. معذالک مانعی نداشت که این بناها در انتهای خود ملحقاتی ضروری نه بصورت بنای متصل داشته باشند.

۱۵) بنای بسیار شگفت انگیز مسجد سنگ یا قصر دختر نزدیک داراب که سر اورل اشتاین توصیف و نقشه آنرا میدهد احتمالاً چیزی نیست مگر کلیسای یک فرقه مسیحی. طاقها و قوسهای آن در نوک کوه کنده شده دارای سبک متداول ساسانی است. این بنا که پیشاپیش آن دهلیزی قرار دارد بناهای صلیبی شکل بین النهرین علیا و ارمنستان را بخاطر می‌آورد

اعتقاد ما بر اینست که چنین (نکته‌ای که با مصالح بی دوام در حقیقت وجود داشته‌است) در واقع در بین بناهای مورد بررسی واقع در اقلیمهای کوچک محلی مختلف الحاقات فرعی پیش رس تالارهای تصادفی خواه شبستانهایی که هم‌بنوان محل عبادت و هم برای اجتماع بکار میرفته ملاحظه میگردد . برای این امر چند دلیل وجود دارد . همانطور که آندره گذار آنرا بدرستی ارائه داده است اگر برای ادای نماز در هوای آزاد (هنگام بدی هوا در منزل) هیچ نوع مانعی در کار نیست لیکن موقعی که موانعی مانند بادهای شن و طوفانها و گرمای طاقت فرسای آب و هوای محلی را از میان میبرد محبورند که جهت اقامه نماز در صد بناها گاهی برآیند ، وانگهی اعتقادات مذهبی در اسلام که در آئین زردشتی توسط یک طبقه روحانی طبق سلسله مراتب بکار برده میشود اجرا نمیکردد . هر چند در زندگی فرد مسلمان کوچکترین اعمال بدقت طبق حقایق غیرقابل بحث کتاب آسمانی قرآن اجرا میشود محیط کاملاً آزاد است . زبان قرآن عربی است یعنی زبانی که برای جامعه ایرانی زبانی دیگر است لذا ضرورت دارد که افرادی متقی و عالم به تعلیم قرآن و ترجمه و تفسیر آن بپردازند . این کار تعلیم باید در محیطی کاملاً آرام صورت گیرد . از اینجاست که لزوم امکتهای مناسب ظاهر میشود .

مطابق موقعیت محل و بفرآخور منابع درآمد هر شهر با دهکده چنین آموزشی در تالارهای مستقل یا تالارهایی که از ملحقات مسجد است و یا حتی در مقابل محراب مسجد اجرا میگردد . بنظر ما تحول و تطور اینبه موصوفه تجربه‌ها و راه‌حلهایی را که برای این مسائل عبادتی و آموزشی انجام گرفته نشان میدهد .

بموازات اشاعه مذهب در میان ساکنین ضرورت یافت که نسبت به ادامه آموزش و تربیت شاگردانی که مترجمین و مفسرین آینده باشند اطمینان حاصل شود .

مطالعه و بررسی تاریخ‌امکنه آموزشی خارج از طرح مطالعاتی مایمی باشد و محققاً امر آموزش در ابتدا در چند محل در مساجد بزرگ اشاعه یافته و سپس بسرعت در مدارس یعنی بناهای مخصوصی که تحت حمایت شهریاران بوجود می‌آمد انجام میگرفت . در ادوار بزرگی چون دوره عباسی و سلجوقی و صفوی نمونه‌های برجسته‌ای وجود دارد . بدون تردید مدارس چهار ایوانی خراسان در عهد ملکشاه ترکیب مساجدی را که از یک معماری مشابه برخوردارند تحت تاثیر قرار دادند . اما آموزش تنها به این مؤسسات رسمی قناعت نوزید مدرسان و اساتید دیگری در طی قرون کار تدریس را در خانه‌های خود یا در مسکن‌حامیان تروتمند علم دنبال کردند . بررسی حاضر ابتدا " اجازه نمیدهد که این نوع مسکن را خوبه بشناسیم . آنچه که معلوم است این اماکن با احتمال بسیار حیاطهای سه یا چهار ایوانی بوده‌است زیرا این عنصر معماری یعنی ایوانهای متعدد اجازه میداد که بر طبق ساعت و با فصل بهترین محل را انتخاب کنند . اینبه کوچک B و C اشکرند که محققاً " بیشتر مدرسه خصوصی می‌باشند تا مسجد عمومی اخلاف همان مدارس مذکور می‌باشند اینکه آنها را تقلید مختصر شده مساجد قدیمی مانند مسجد زواره بدانیم .

برای اطمینان از اینکه پیش از مرز پنجم هجری این سرمشق اخیر کلاسیک هنوز بطهور نرسیده بود تحقیقات فشرده‌تری در نواحی دیگری که اقلیمی مشابه دارند ضروری خواهد بود .

تحقیقی انجام یافته در بخشی از ولایت اصفهان تاکنون هوشمندی راه‌حلهایی بدست آمده را نشان میدهد عملی که با بکار بردن مداوم فرمول چهار ایوانی که در طی پنج قرن تکامل یافته کشفیات تازه مثبتی را ممکن میسازد .



a



لوحة ۹- ایوان تدفینی سلجوقی مسجد سرشت یاداران



b

لوحة ۸- بزد مسجد اولیه (a) دیده از جزرهای شرقی که از روی یک ساره گرفته شده.

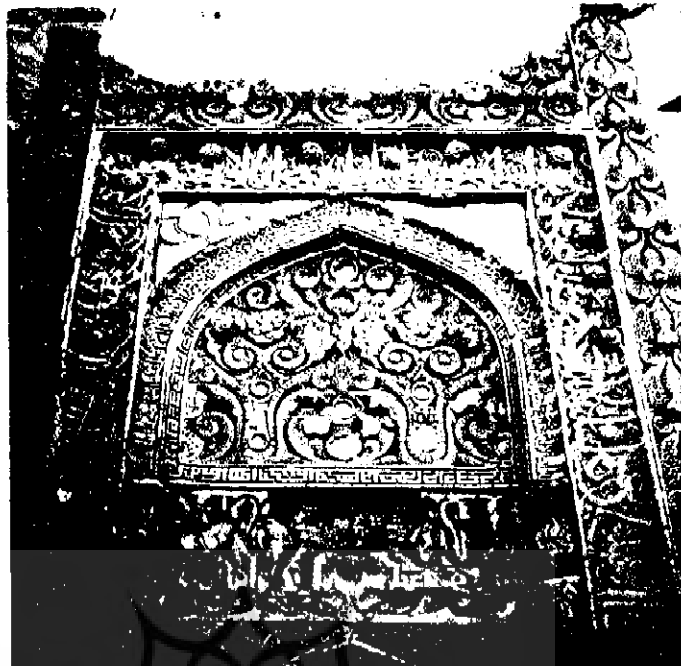
(b) جزئیات یک طاق

لوحة ۱۰- مسجد قصر (a) نما از سوی حیاط شمالی

(b) رواق جنوبی



c



لوحة ۱۱ - بخش فوقانی محراب مسجد هفتشوبه



لوحة ۱۲ - مسجد کاج

b (ایوان غربی حیاط

a (دیدی از مجموعه که از جنوب غربی گرفته شده



۱۱

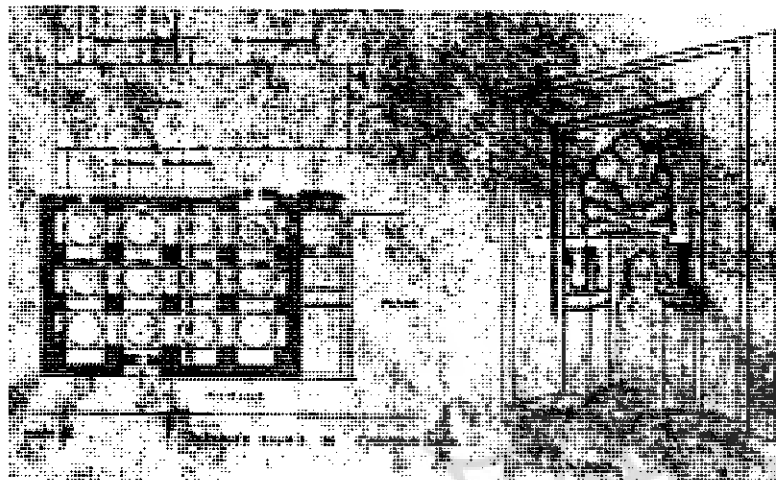


۱۲

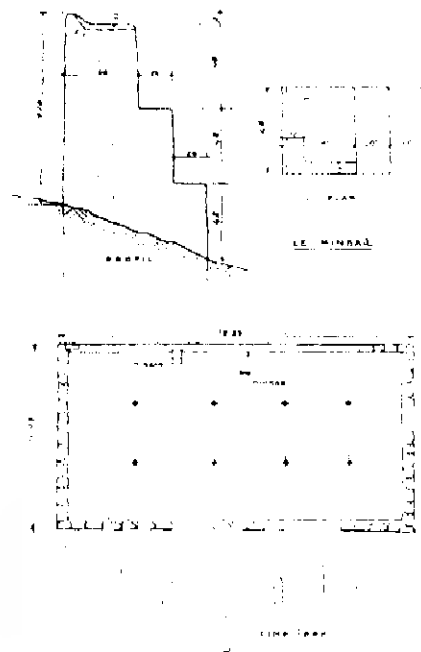
لوحة ۱۳ - مجد کاج (a) زاویه شمال شرقی گنبد خانه یکی از درگاه ها برای مستحکم ساختن بنا مسدود شده است. (b) تکیه گاه قوسی از رواق جانبی غربی گنبد خانه

لوحة ۱۴ - مسجد دشتی روی دیوار غربی جای قوسهای رواق غربی

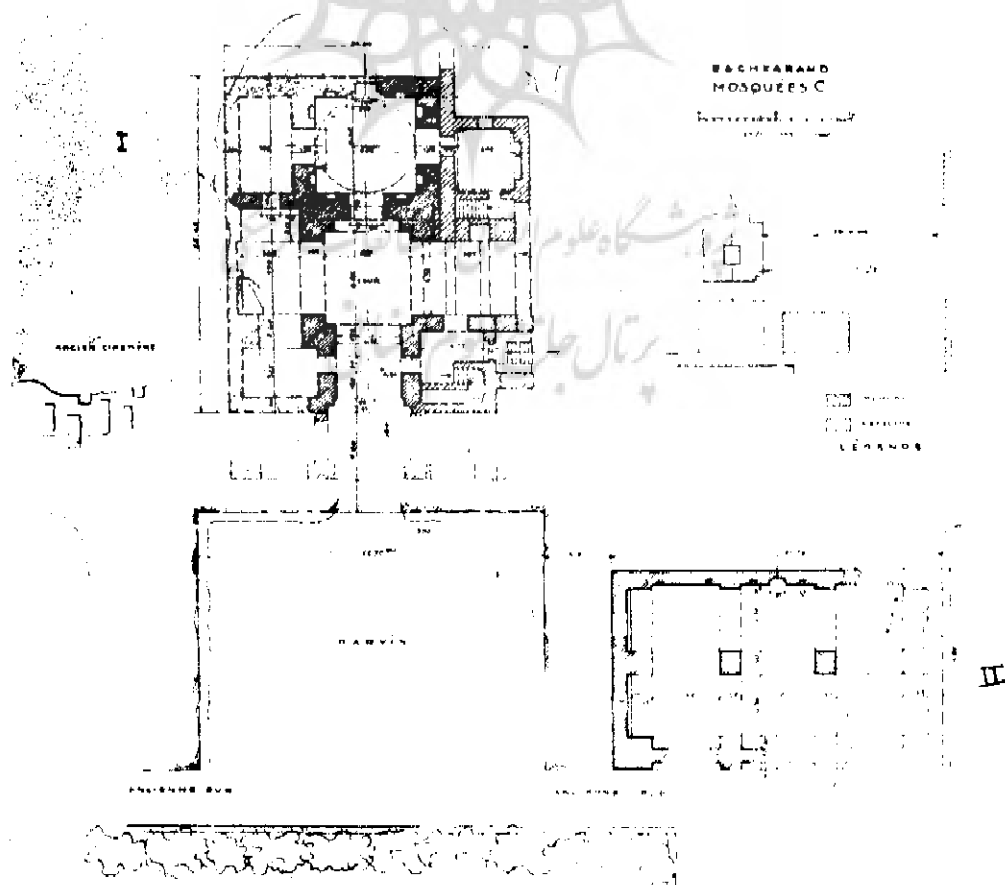




شکل ۱۷ - مسجد جمعه شاپورآباد

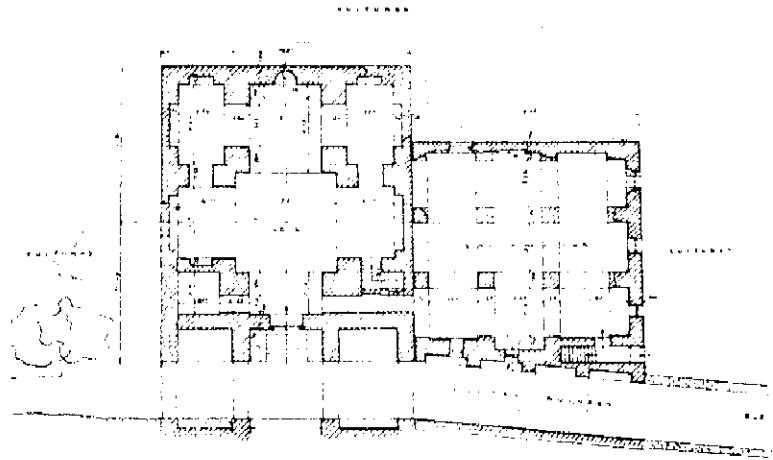


شکل ۱۸ - بقایای مسجد تیجن

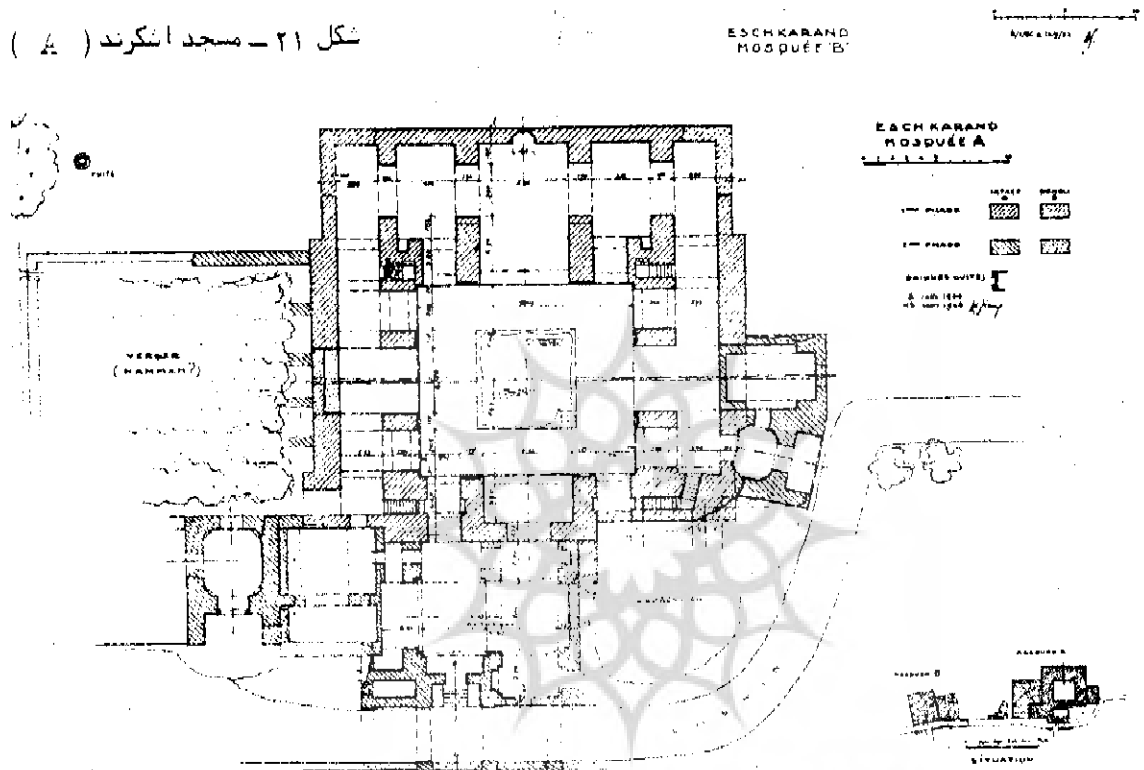


شکل ۱۹ - مسجد قدیمی اشکرند (c) در قرن دوم هجری

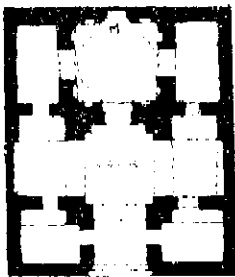
شکل ۲۰ - مسجد اشکرد (B)



شکل ۲۱ - مسجد اشکرد (A)

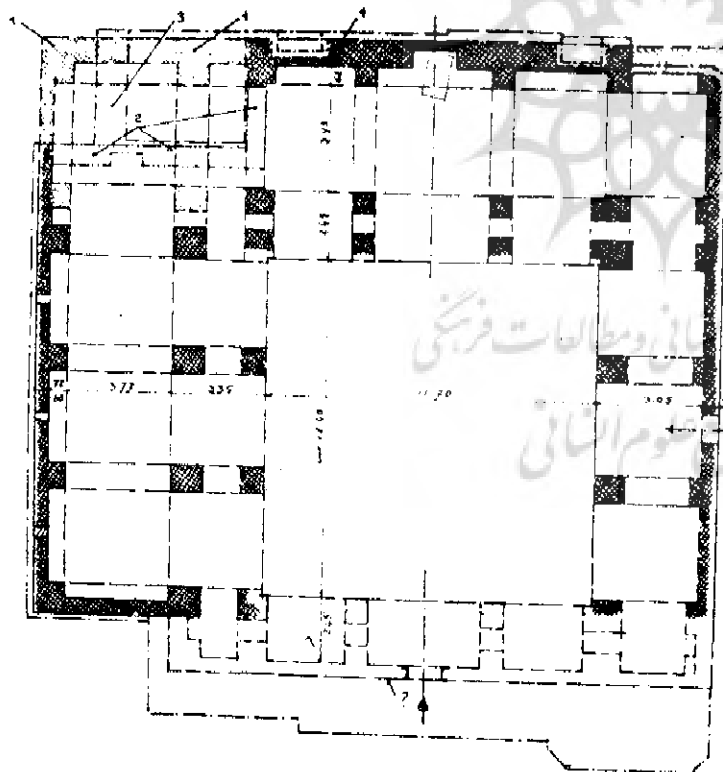


پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



مسجد اشکرد (C.I) بازسازی

شکل ۲۴ - مسجد جمعه سرشت یاداراند - بازسازی



- 1 PRIMITIF
- 2 PARS-RELOUÇAGE
- 3 SÉLOUÇAGE
- 4 SARAVIDE

MOSQUÉE DJUMÀ DE
SARECHT-YADERAND
25/10/1960 1/17

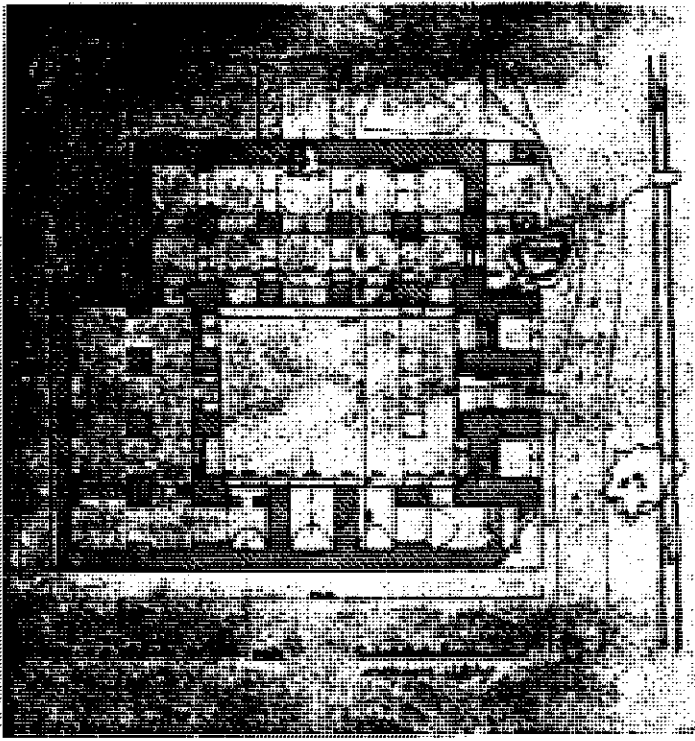
شکل ۲۳ - مسجد جمعه سرشت یاداراند

وضعیت در ۱۹۶۳

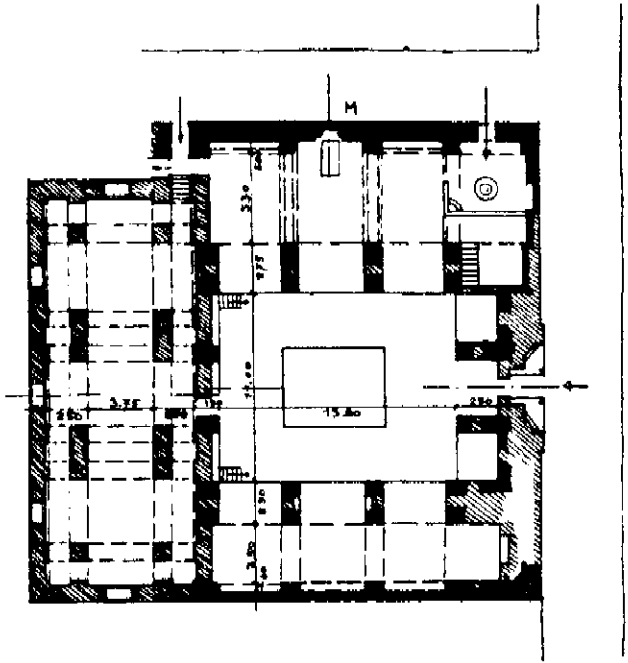
- 2 2^{ème} ÉPOQUE
- 1 MAÇONNERIE RESTITUÉE
- MAÇONNERIE IN SITU
- TRACÉ RESTITUÉ
- CONTOUR ACTUEL

MOSQUÉE DJUMÀ DE
SARECHT-YADERAND
RESTITUTION

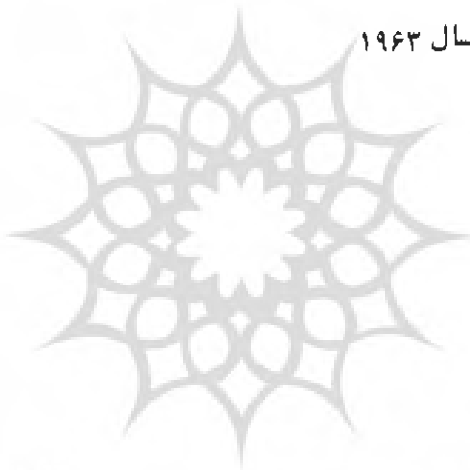
1/17



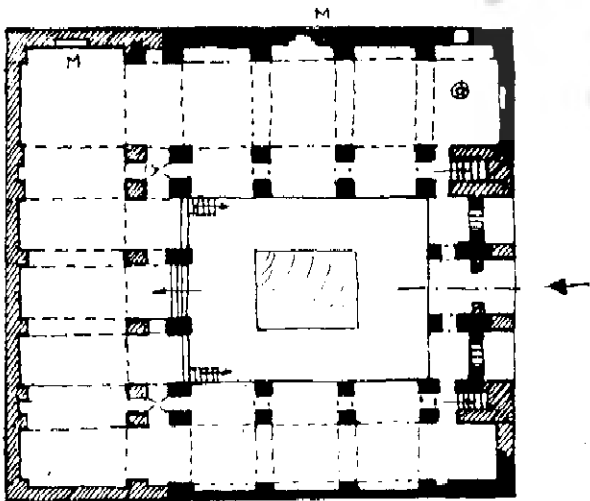
شکل ۲۵ - مسجد جمعه قمصر



شکل ۲۶ - مسجد ونداد ده وضعیت در سال ۱۹۶۳

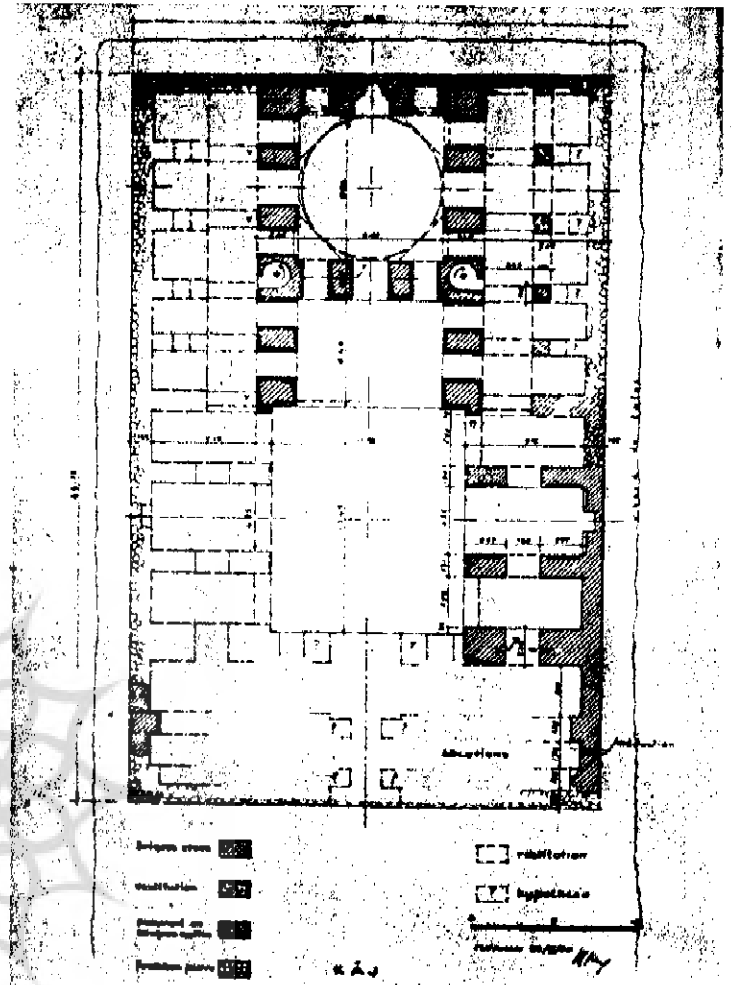


پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی

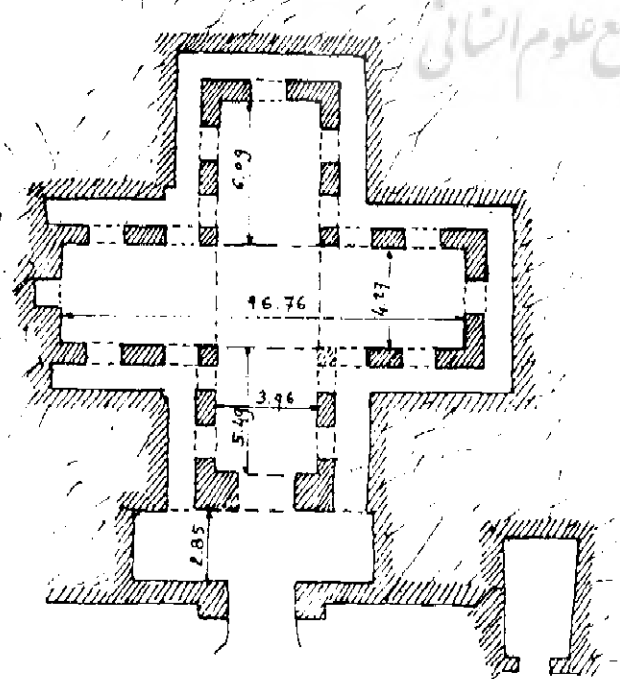


شکل ۲۷ - مسجد جمعه ونداد ده طرح بازسازی

شکل ۲۸ - مسجد کاج - وضعیت در اکتبر ۱۹۶۳



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی



شکل ۲۹ - مسجد سنگی نزدیک داراب اقباس از سراورل اشکانه